



سایات ارتش جمهوری اسلامی

درنگی در رازهای محبوبیت ارتشیان در آستانه ۲۹ فروردین، روز ارتش

ارتش بی ادعا و خالصانه ، خادم مردم

عملکرد سیاسی ارتش در برهه‌های حساس شکل‌گیری، تثبیت و استحکام نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌توان تلاش‌های این سازمان دفاعی محبوب را که در قامت سازمانی جدید به نام ارتش جمهوری اسلامی ایران ظاهر گردیده به این شرح مورد بررسی قرار داد:

■ **همراهی بهنگام ارتش باانقلاب اسلامی**
رژیم استبدادی پیشین، ارتش را به‌منظور حفظ وامتداد حیات خود تجهیز کرده بود و با تصور حمایت یک ارتش سروکوبگر و سرسپرده، قصد داشت در رویارویی با ملت انقلابی شرایط را به نفع خویش تغییر دهد. خاطرات ژنرال هابیز نماینده نظامی کارتر و ویلیام سولیوان نشان می‌دهد در شرایطی که دولت بختیار با هدایت استکبار جهانی در صدد اقدامات خشونت‌بار علیه انقلاب اسلامی بود، ارتش هیچ‌گونه تمایلی به مقابله با مردم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را ادا نموده‌است. مهم‌ترین افتخار ارتش جمهوری اسلامی ایران نشان پاک «کلمه طیبه» از سوی فرماندهی معظم کل قوا و لیکب به فرمان حضرت امام خمینی(ره) در دور بودن از جریان‌های سیاسی و حزبی است که موجب اعتماد ملی مردم ایران به سربازان خود گردیده و در حقیقت ارتش بعد از انقلاب همانند ارتش دوران پیروزی انقلاب برای ملت ایران باقی مانده. برای شناخت بهتر

و بسیاری دیگر به دقت مراقب بودند که میادا جنگ‌افزارهای ارتش علیه مردم به کار گرفته شود. در ایام انقلاب، تانک‌های ارتش به دستور سران وارد خیابان‌ها شدند، ولی حتی یک گلوله از این ارابه‌های مخوف مرگ آفرین به سمت مردم شلیک نشد، هرگز بالگرد و جنگنده‌ای به سوی مردم آتش نگشود و آنچه به روی مردم گشوده شد، آغوش مهر ارتشیان بود و این گونه بود که لوله تفنگ‌ها به جای گلوله با گل آراسته گردید؛ ارتش از همان آغاز برادر ملت بود، نه برابر ملت. مهم‌ترین حرکت انقلابی ارتش اما در حساس‌ترین صحنه بروز یافت و بیعت جاودانه کارکنان ارتش با بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) در روز ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ در تاریخ ثبت گردید. به این ترتیب با حضور شکوهمند و محوریت کارکنان نیروی هوایی ارتش، رژیم استبدادی پیشین ضربه‌ای کاری دریاختن نمود. اما اعلامیه بی‌طرفی ارتش در ظهر ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که به امضای سران وقت ارتش رسیده بود، بیانگر این ادعای ارتش تاریخ‌ساز ایران است که ارتش برای ملت و حافظ مرزهای ایران است و وابستگی به سران حکومت ندارد و کار را تمام کرد. حاکمیت رژیم استبدادی پیشین به پایان رسید و انقلاب اسلامی ملت ایران به پیروزی نهایی دست یافت.

ارتش تکلیف‌مدار در حفظ نظام نوپای اسلامی که پس از پیروزی انقلاب چپ‌های سیاسی ووابستگان به اردوگاه مارکسیسم سعی در انحراف آن را داشتند، تلاش بسیار کرد. این گروه‌های وابسته در پهنه جغرافیایی کشور و

مخصوصاً مناطق مرزی روی به ایجاد آشوب آورده و نغمه شوم تجزیه‌طلبی سر می‌دادند. همان جریان‌های سیاسی چپ و راست بر این باور بودند که ارتش مردمی و برخاسته از نهاد مردم و همراه و پشتیبان رهبر و ملت، بزرگ‌ترین مانع برای دستیابی آنها به اهداف تجزیه‌طلبانه و کو خود است، از این‌رو در ابتدا شعار انحلال ارتش، ترجیع‌بند سخنرانی‌های آتشین جریان‌های سیاسی بود، بعد هم توطئه در پی توطئه که البته توطئه انحلال ارتش آن وابستگان را در جامه عمل پوشیدن به مطامع خویش امیادورتر و مصمم‌تر می‌نمود.

ارتش غیور و خادم ملت، اما بی‌ادعا و مخلصانه راهی جبهه‌ها در نقاط مختلف مرزی بخصوص کردستان گردید، کردستان و آذربایجان، خوزستان و ترکمن صحرا، سیستان و بلوچستان و هراجای دیگر که توطئه‌ای علیه انجمام و منافع ملی و با هدف تجزیه‌طلبی در حال شکل‌گیری بود، نیروهای ارتشی داوطلبانه پا به میدان گذاشته و مقتدرانه از کیان و تمامیت سرزمین و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده و به پای صیادها تا اوج خطر پیش می‌رفتند، مهرورزان به مردم همراهی کرده و سختگیرانه در برابر بدخواهان صف‌آرایی می‌کردند؛ طنین صدای رسا و برق سلاحشان لرزه به اندام فتنه‌گران می‌انداخت. همان روزها بود که بصیرت سیاسی ارتشیان، دانش و تسلط ارتشیان به موضوع‌های سیاسی و راهبردی و فهم دقیقشان از جریان فتنه‌هایی که تمامیت ارضی کشور را هدف گرفته بود، به چشم آمد. شاهد مثال این بصیرت افزون در

مناظره‌های آتشین شهید فلاحی با جریان‌های سیاسی و موضع‌گیری‌های صریح مرحوم ظهیرنژاد در تاریخ انقلاب اسلامی ماندگار است.

بسیاری از مردم مناطق محروم و کم‌برخوردار کشور در اوایل انقلاب، هنوز یاد و خاطره مردان بزرگی از ارتش همچون صیادها، بایایی‌ها، دادبیین‌ها و... را به یاد دارند که برای مردم مایحتاج تهیه و کمک رسان آنان بودند.

■ **ارتش؛ تکیه‌گاه کشور در روزهای سخت**

دشمن در هنگامه فتنه به این نتیجه رسیده بود که با حضور مقتدرانه ارتش، فتنه‌ها به خاموشی خواهد گرایید. جنگی طولانی و پرهزینه را بر ملت شریف ایران تحمیل کرد. به این ترتیب ارتش به‌عنوان تنها نهاد مأمور حفظ تمامیت ارضی کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران، امکانات و تجهیزات و نیروی انسانی خویش را در میدان رزم آراست، ارتش در این رزمگاه دشوار آنچه را در توان داشت به‌کار گرفت و با مشارکت حداکثری با همه دلسوران نظام، توانست دشمن یعنی را که از حمایت توأمان غرب و شرق بهره می‌برد، شکست دهد. حتی در مقاطعی در خلیج فارس با نیروی دریایی ارتش امریکاهم جنگید و حماسه‌های درخشانی ثبت کرد. به این ترتیب، این سازمان حرفه‌ای و بی‌ادعا، رسالت تاریخی و اصلی خود را آنتحان ایفا نمود که ذره‌ای از خاک ایران در دست دشمن باقی نماند. پس از جنگ نیز حضور درخشانی در عرصه سازندگی داشت و نیازمندی‌های خود را با اکتیاه توان داخلی ساخت و چهره یک ارتش مستقل مقتدر را بخوبی به جهان‌نیان عرضه کرد. در عرصه‌های دشواری مانند بلایای طبیعی و حوادث غیرمترقبه، ارتش به‌عنوان یک نیروی فذاکار نخستین گام‌ها را برای کمک به ملت به میدان آورد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب ثابت کرد که در شعار ارتش فدای ملت، ثابت قدم است.

■ **سلامت‌سیاسی در کنار بصیرت‌سیاسی**
سلامت سیاسی ارتش در کنار صلابت و توان رزمی این سازمان حرفه‌ای، سرمایه‌ای عظیم است که پشتیبانی ملت و اعتماد رهبری نظام را در پی دارد. سلامت سیاسی ارتش در مصادیقی چون تعهد به حفظ تمامیت ارضی کشور، وفاداری و تعهد به حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران، اطاعت از فرماندهی معظم کل قوا، انجام وظیفه حرفه‌ای و عدم دخالت در حوزه‌های غیرحرفه‌ای مانند اقتصاد و سیاست است. ارتش در عین تعهد به حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران و مأموریت خدمت به ملت، هیچگاه در پی دخالت غیرحرفه‌ای در حوزه‌های غیروظیفه‌ای خویش نبوده‌است، اما مطیع فرامین فرماندهی معظم کل قوا بوده و این همان سلامت سیاسی مورد تأکید این نوشتار است.

دانش و بصیرت سیاسی و پرهیز از دخالت غیرحرفه‌ای در عرصه‌های دیگر، ویژگی درخشان سازمان ارتش است. بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) نیز همواره نیروهای مسلح را خمینی(ره) از حیث مهارت و احساس شات از احزاب و جریان‌های سیاسی پرهیز داده‌اند و این موضوع چنان اهمیت داشته که در وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام خمینی(ره) هم مورد تأکید قرار گرفته و ایشان فرموده‌اند: «وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که

دانش و بصیرت سیاسی و پرهیز از دخالت غیرحرفه‌ای در عرصه‌های دیگر، ویژگی درخشان سازمان ارتش است. بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) نیز همواره نیروهای مسلح را از حضور و حمایت و جانبداری از احزاب و جریان‌های سیاسی پرهیز داده‌اند و این موضوع چنان اهمیت داشته که در وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام خمینی(ره) هم مورد تأکید قرار گرفته



ندارد. اما قاطعانه در کنار ارکان رسمی سیاست کشور حضور دارد و همواره پشتیبان آرای ملت خواهد بود. امروز بلوغ سیاسی ارتش پشتیبان کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران و مورد عنایت حزب و گروهی وارد نشده و خود را از مطالبه‌گری‌های سیاسی، در مسیر خدمت، به رضایت خالق و خلق می‌انديشد. چشمان بیدار ارتش، همواره درودست‌ها می‌را کاود؛ نگاه این سازمان مقتدر و حرفه‌ای و باصلابت به عمق لشکریان دشمن است و اینکه چه توطئه و ترفندی در کمان دارند و خود را برای مقابله با هر دشمنی آماده می‌کند. دل به ملت و سر به خدا سپرده، دندان به هم می‌فشارد و دست به سازمان مقتدر و حرفه‌ای و باصلابت دشمن به مرزهای اقتدار ملت را با آتش اقتدارش بسوزاند. به این ترتیب باید بگویم سلامت سیاسی ارتش، ارزش افزوده نظام و انقلاب اسلامی است و مطامع دشمنان را ناکام می‌گذارد.

در شرایط کنونی که بالندگی و اقتدار انقلاب اسلامی در منطقه و جهان در اوج قرار دارد، راهبردهای دشمنان با ترکیبی متشکل از مجموعه اقدامات تقابلی در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و حتی بیولوژیک علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی اجرا می‌شود. ارتش جمهوری اسلامی ایران در این شرایط خود را قارغ از حضور در عرصه سیاسی، در خط مقدم مقابله با راهبرد ترکیبی دشمن می‌داند و به تقویت بنیه دفاعی و نظامی با تکیه بر توانمندی‌های داخلی می‌پردازد. همه این عوامل، ارتش جمهوری اسلامی ایران را به مجموعه‌ای منسجم، کارآمد، انقلابی، مردمی، در خط ولایت و خاری در چشم دشمنان و بدخواهان تبدیل کرده‌است. [۱] -وصیت‌نامه سیاسی الهی امام(ره)

افرادی بودند که دست به غذا می‌برند، در تقسیم لباس گرم و تجهیزات، در انتهای صف بودند یا اصلا نبودند و هرگز ادعای هیچ سهمی نکردند. حواس‌شان بود که در بزنگاهی بزرگ در محضر خدا ایستاده‌اند و در مرام‌شان نبود که خود و خرد خاص خود را با چنین سهم‌خواهی‌هایی شرمند خدا کنند. خود را با او معامله کردند و در این معامله، بیشترین سود را آنان بردند؛ چه آنانی که زنده بازگشتند، چه آنانی که بی‌نشان اوج گرفتند و ناپیدا شدند. این جوانمردان هم محل، یا هم‌سنگر و هم‌گردان، به همان اندازه که در پی هیچ سهمی نبودند، پیش از همه سینه سپر می‌کردند، چنین بودند که دیگران از تنرسی و شجاعت آنان الهام می‌گرفتند و دست یا علی(ع) بر زانو نهاده و برمی‌خاستند و این برخاستن، از لونی دیگر بود، حال و دم لوطیان جبهه، ناخوداگاه دیگران را به سوی آنان جذب می‌کرد؛ در جایی که باید معبری ■ **رگه‌ای بی‌مانند در معدن جنگ**

جنگ ما، در قالب دفاع مقدس، تنها یک دفاع صرف نبود، مرحله‌ای از ساختن و رشد و رسیدن به نوعی شعوری متعالی بود. از همین جاست که باید از مردانی سخن گفت که رگه‌های در کانی وجودشان داشتند که در معدن جنگ، عیار و محک آن سنجیده شد؛ اگر در شهر و کوی و برزن خود می‌ماندند، این رگه‌های گرانها را نه صاحبانشان باز می‌شناختند و نه دیگرانی که با آنان همنشین و هم‌نمک و هم‌سنگر بودند. شاید یکی از بارزترین مثال‌ها از کانی‌های گرانها،

«شاهرخ» باشد؛ مردی که در بحبوحه جنگ وارد میدان شد، اما با حضور و نیتی خاص. او خلوشش را با این شرط بزرگ با پروردگارش به عرصه آورد که در نهایت، ناپیدا و گم ماندن جسدش باشد. او می‌خواست چنان پاک و مطهر شود که چیزی از یکپرش باقی نماند. با این نیت، این پهلوان جنگ، که نامش، هراسی عظیم در دل دشمنان ایجاد می‌کرد، هرجا که لازم بود با حملات ایدایی و جنگ‌های غیرمنظم، کارآمد، انقلابی، می‌زد؛ و به‌همین دلیل دشمن برای سرش جایزه گذاشته بود. او که پیش از انقلاب هم در کشتی اسم و رسمی داشت با دعای مادر، در نهایت به رشادت و پهلوانی به رنگاری رسید و همان‌گونه از جهان پای بیرون نهاد که از خایش خواسته بود؛ بی‌هیچ اثری از پیکر، بی‌نام، بی‌شهرت و...

■ **دفاع مقدس؛ فرصت بی‌نهایت‌ها**
ماندند، آنانی که به‌دنبال فرصتی برای تحول بودند، برای آنانی که استعداد دگرذیسی و ولایش داشتند، بستر مناسبی بود. اینان اگر با آن جان ناآرام خود در شهر می‌ماندند، چون گهرهایی بودند که به‌دست گهرناشناسان افتاده و هدر می‌رفتند. اینان، لوطیان جبهه و جنگ، برای زندگی آرام و خطیر شهری، ساخته نشده بودند. برخی جان آشنایان مانند شهید چمران، توانستند که به اینان نیرو و زور بازو و سر تن‌ترس‌شان، سر و سامانی داده و آنان را در مسیر درست هدایت کنند، تا هم نیاز درونی‌شان به سرکشی برآورده شود و هم به نوعی تعالی خاص در این بستر دست یابند.